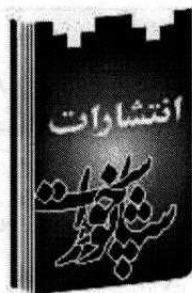


تلنگر احساس

ياسر محمدي



خرم آباد

انتشارات شاپورخواست

۱۳۹۴

سرشناسه	: محمدی، یاسر، ۱۳۶۱.
عنوان و نام پدیدآور	: تلنگر احساس/ یاسر محمدی.
مشخصات نشر	: خرم‌آباد: انتشارات شاپورخواست، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	: ۲۳۰ ص
شابک	: ISBN: 978 - 600 - 260 - 172 - 8
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبای مختصر
یادداشت	: فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی زیر
	: قابل دسترسی است: http://opac.nlai.ir
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۳۸۰۴۵۳۲



تلنگر احساس

یاسر محمدی

ناشر: انتشارات شاپورخواست

محل نشر خرم‌آباد- همراه: ۰۹۱۶۳۹۸۴۰۱۱

شماره: ۵۰۰ نسخه - نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴

آمور رایانه‌ای: ثریا ساکی - طرح جلد: سهیمه اسدزاده

چاپ: چاپ روز

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۶۰-۱۷۲-۶۰

بها: ۱۳۵۰۰ تومان

فهرست

صفحه	عنوان
۱۱	مقدمه
برداشت اول	
۱۵	عاطفه مادی گربه
۱۵	قاتلی که مسر و دخترش را کشت
برداشت دوم	
۱۹	فداکارترین مادر
۲۳	بی حیا
برداشت سوم	
۲۷	وحدت آهوها
۲۸	کودکان و جنگ
برداشت چهارم	
۳۷	کبوتر
۳۸	دختر بی آشیان
برداشت پنجم	
۴۳	تحمل شتر
۴۴	کارگران کوچک و استعمارگران بزرگ
برداشت ششم	
۴۹	ساده‌زیستی لک‌لک‌ها
۵۰	دختر میلیونر

برداشت هفتم

- ۵۳ زایمان گوسفند
 مرگ مغزی کودک ۹ ساله

برداشت هشتم

- ۵۷ دوستی سگ و کلاغ
 ۵۸ دوست ناباب

برداشت نهم

- ۶۱ مرغ عشق
 ۶۲ دختر سُست پیمان

برداشت دهم

- ۶۵ حیلۀ الاغ‌های وحشی
 ۶۶ قابلمه‌های قاتل

برداشت یازدهم

- ۶۹ مهاجرت موش‌های صحرایی
 ۷۰ زندگی آلبرت انیشتین

برداشت دوازدهم

- ۷۷ هوش روباه
 ۷۸ خطرات آلودگی محیط زیست

برداشت سیزدهم

- ۸۳ همکاری موریانه‌ها
 ۸۳ نفت، طلای سیاه

برداشت چهاردهم

- ۸۷ بلبل
- ۸۸ سیاهی و تباهی

برداشت پانزدهم

- ۹۱ درمان‌های طبیعی حیوانات
- ۹۳ پرتگاهی بزرگ، در چند قدمی جوانان

برداشت شانزدهم

- ۱۰۱ راه‌سازی مورچگان
- ۱۰۲ وضعیت جاده‌های کسره

برداشت هفدهم

- ۱۰۹ هم‌نوع‌دوستی مورچه‌ها
- ۱۱۰ طمع سه نقطه دارد

برداشت هیجدهم

- ۱۱۱ مهر و عاطفه‌ی دلفین
- ۱۱۲ نامه‌ی دختر به پدر

برداشت نوزدهم

- ۱۱۷ عقاب، سلطان بی‌رقیب آسمان‌ها
- ۱۱۸ زنده به گور کردن دختران

برداشت بیستم

- ۱۲۱ سرسختی کلاغ‌ها
- ۱۲۲ دختر پرستار

برداشت بیست و یکم

- ۱۲۷ شوهر خواری عنکبوت
- ۱۲۸ شوهرداری انسان

برداشت بیست و دوم

- ۱۳۱ زنبور غسل
- ۱۳۳ وقتی از خدا فاصله گرفتم

برداشت بیست و سوم

- ۱۳۷ باوفایی سگ
- ۱۳۸ بی‌وفایی

برداشت بیست و چهارم

- ۱۴۱ دادگاه کلاغ‌ها
- ۱۴۲ گل‌بهار

برداشت بیست و پنجم

- ۱۴۷ خرگوش
- ۱۴۸ به جای زندان

برداشت بیست و ششم

- ۱۵۳ پرنده نخل
- ۱۵۴ خلبان قلابی

برداشت بیست و هفتم

- ۱۶۳ اسب وفادار
- ۱۶۴ ماشین‌های مسافرکش

برداشت بیست و هشتم

- ۱۶۷ شتر مرغ
- ۱۶۸ عروسی با اجبار پدر

برداشت بیست و نهم

- ۱۷۱ سگ آسیابان
- ۱۷۲ زلزله

برداشت سی‌ام

- ۱۸۳ محبت حیوانات با هم
- ۱۸۴ خنده‌های مرگ یک آدم‌مور

برداشت سی و یکم

- ۱۸۹ ناموس پرستی لک‌لک‌ها
- ۱۸۹ مکر و حیل‌های زن

برداشت سی و دوم

- ۱۹۳ گذشت پرندگان
- ۱۹۴ اعراب و اسرائیل

برداشت سی و سوم

- ۲۰۱ خودکشی حیوانات
- ۲۰۳ خودکشی در میان انسان‌ها

برداشت سی و چهارم

- ۲۱۱ هوش روباه
- ۲۱۲ یک نوع تربیت انسانی
- ۲۱۹ تصاویر

مقدمه

آنگاه که پروردگارت به فرشتگان فرمود: «من در روی زمین جانشینی می‌گمارم.» فرشتگان گفتند: «آیا در زمین کسی را می‌گماری که در آن فساد و خونریزی کند؟ در حالی که ما به ستابشت تسبیح می‌گوییم و تقدیست می‌کنیم.» فرمود: «من چیزی را می‌دانم که شما نمی‌دانید.»^۱

از مسائل مهم زندگی انسان و شاید مهم‌ترین آن‌ها، شناخت خود انسان است. انسان قبل از این‌که به شناخت جهان پیرامون خود و نیک و بد آن بپردازد باید خود را بشناسد و گنجینه‌های حضرت را نهاد خود را کشف نماید و آن‌ها را به کمال برساند و امیال نفسانی و شهوانی خود را تعدیل کند، در این صورت است که به بزرگ‌ترین سعادت نایل می‌شود اما اگر غفلت بورزد، فقط نیازهای مادی و امیال نفسانی و حیوانی خود را به کار آورد، گرفتار خسران می‌گردد. از مرتبه‌ی انسانیت به حیوانیت تنزل می‌یابد. دعوت به شناخت انسان از توصف‌های همه پیامبران الهی و امامان، عالمان اخلاق، فیلسوفان و ... است و انسان خود نیز اهمیت آن را احساس می‌کند؛ البته آدمی از جهات مختلف موضوع شناخت علم گوناگون است اما منظور از شناخت انسان، آن است که او دارای استعدادها و نیروهایی برای فهم خود و جهان است. اگر انسان با تأمل و تفکر، امکانات و استعدادهایی را که برای رشد و تکامل در او افیده شده، بشناسد، بهتر می‌تواند سرمایه‌های وجودی خود را به کمال برساند.

بنابراین برای روشنی هر چه بیشتر و اهمیت خودشناسی، ما در این مجموعه، ردایب انسانی را در مقابل صفات‌های نیکوی حیوانی قرار داده‌ایم تا این شناخت در شرایط کنونی بیش‌تر جلوه کند. حضرت امیر^(ع) می‌فرماید:

«من عرف نفسه فقد عرف ربه»

(هر کس خود را بشناسد پروردگارش را شناخته است.)

ویژگی خلقت انسان طوری است که می‌تواند تا مرحله‌ی خلافت و جانشینی خداوند پیشرفت کند و هم می‌تواند تا درجه‌ی موجودی پست و بی‌ارزش تنزل یابد و این درجه حتی پست‌تر از درجه‌ی تنزل حیوانات ذکر شده است. مطالعه‌ی آمارهای جرم و جنایت، خودکشی و ... مدعای این گفته‌هاست ولی در مواردی دیگر یک اقدام نیکو و پسندیده و بشردوستانه باعث افزایش انرژی مثبتی جهت ادامه‌ی زندگی و امیدواری به آینده می‌گردد. اگر می‌خواهیم زندگی کنیم و از زندگی خود لذت ببریم باید نسبت به هم و برای هم، دنیایی قابل تحمل و بدون مشکلات، معضلات روحی و روانی بسازیم.

سیر همه‌ی اشیاء در این جهان همه رو به ترقی‌اند و مدار خود را می‌پیمایند مثل درخت که از یک ساقه، ریشه و شاخ و برگ تبدیل به جوانه و بعد نهال و سپس درختچه خواهد شد، انسان نیز می‌تواند به این‌سان و درجات را بییماید و نیز بر خلاف این روند رشد، ما در جهت عکس آن حرکت کرده‌ایم. ما از درجه‌ای شروع کرده‌ایم که آخرین نمره‌ها و درجات آن شاید به فنا و اصل بودن جهان و بشریت منجر شود و هر چه بر رشد علمی بشر افزوده شده بیش‌تر برای خرد و بهار مشکل درست کرده‌ایم. مشکلات ما فقط مربوط به دنیای انسانی و خودمان نمی‌شود بلکه جانوران و موجودات دیگر و به عبارتی کل حیات را نیز از خود متأثر کرده‌ایم.

در عصر جدید با پیشرفت علم و فناوری، رفاه و آسایش ظاهری، زندگی انسان به طور کلی دگرگون شده و او را با مشکلات و بحران‌های جدیدی روبرو ساخته است. انسان معاصر دچار بحران‌های معرفتی، اخلاقی، روانی، معنوی و ... شده است. مشکلاتی نظیر اضطراب‌ها، فشارهای روانی، پوچ‌گرایی و ... ناشی از آن است که آدمی دویت و حقیقت انسانی خود را گم کرده و نقطه‌ی اتکا و آرامش خود را؛ یعنی خداوند و دعا از دست داده. انسان موجودی فقیر و وابسته به خداست اما رابطه‌ی خود را با خدا نادیده انگاشته است.

آنچه در این مجموعه آمده است آغاز یک سری مستندات و داستان‌هایی است که مجری آن خود ما و از نسل خود بشریت بوده‌اند، نه از طرف کسی به ما تحمیل شده و نه کسانی که از بیرون می‌نگرند با آن موافقت. بحث در مورد تمام زمینه‌هایی که بیش‌تر از منابع مختلف جمع‌آوری شده، دشوار است؛ چون در بعضی از اسناد واقعاً به قدری وحشتناک جلوه کرده‌اند که کلمه‌ای به نام احساس و انسانیت، انکار در لغت‌نامه و در

عمل کسانی که این خطا را انجام داده‌اند، وجود نداشته و چه انتظاری می‌توان داشت وقتی احساس - که گل آدم را نرم و باعطوفت می‌کند - دیگر حذف‌شده، پنداشته شود. در دنیای به اصطلاح خودساخته‌ی وحش، حیوانی که منزوی می‌شود و از اجتماعش می‌گریزد هنوز هم در طبیعت و در این کره خاکی، جای امیدواری دارد، بتواند زیست کند و دوباره به زندگی‌اش سروسامان بدهد حالا با این طبیعتی که بر جانوران حاکم است در مقایسه با آن، آیا انسان نیز این چنین است؟!

"تلنگر احساس" این عنوان را بدین منظور برای کتاب برگزیده‌ام که خطر سیر زندگی انسان و حیوان را به عنوان دو موجود، یکی باشعور و دیگری ذی‌شعور، با هم مقایسه کرده‌ام البته عنوان این نوشته مبنی بر زیر سؤال بردن تمام شئون زندگی انسانی و خلیفه‌الهی بودن آن نیست بلکه تلنگری است برای انسان به عنوان موجودی که پرچمدار رسالت و عهده‌دار امام الهی است تا بلکه به خود آید و در مسیری که انحراف یافته تأملی کند و به راه آید.

بدین گونه فصل‌های متنوع این مجموعه به تعامل در رفتارهای به اصطلاح غریزی و خوب و باشعور حیوانات چه در رابطه با محیط زیست و انسان و ... در مقایسه با رفتارهای آگاهانه انسان‌هاست. به هر حال تصویری هر چند کوتاه از این تعامل و زندگی دوسویه در معنای حیات ترسیم می‌شود و از خواننده این انتظار می‌رود. با مقایسه این دو تعریف و یا به عبارتی داستان، تضادها را دریابد و به عنوان انسان، رافعاً عادلانه قضاوت کند و مطالب را در ذهن خود نشخوار کند. این مجموعه بیشتر از این که مؤید و مؤکد بر زمینه داستانی باشد، منظور آن اهداف تربیتی و اثرات تأمل‌برانگیز بوده است.

در داستان‌ها بیش‌تر با سوانح جاندار و واقعاً مهیج سر و کار هست و در بعضی حال از نقد و اندیشه ... نیز دور نیست. اگر این مجموعه به صورت داستانی نقل شده، هدفی جز آن نداشته‌ام که در قالب داستان، نکات اخلاقی را گوشزد کنم.

در اینجا باید اقرار کرد مطالب این کتاب نمی‌تواند عاری از اشتباه و خطا باشد لذا از همه‌ی صاحب‌نظران استدعا دارم نظرات و انتقادات خود را انعکاس داده تا در ویرایش‌های آینده‌ی کتاب تصحیح گردند.

امیدوارم این مجموعه مطالبی را در بر داشته باشد که مؤثر بیفتد هر چند به عنوان اولین تجربه نمی‌تواند خالی از اشکال باشد ولی خوشحالم در این میان هم خیلی چیزها را آورده‌ایم که می‌توانند مفید بوده باشند. این کتاب قرار بود در سال ۱۳۸۶ چاپ گردد که بنا بر مسائلی، نشر آن مرتب به تعویق افتاد. در پایان جا دارد از زحمات و راهنمایی‌های جناب آقای سیدیدالله ستوده مدیر محترم انتشارات شاپورخواست قدردانی نمایم که دلسوزانه در این زمینه نهایت همکاری را در چاپ این اثر داشته‌اند. شاید بداند در اینجا به عنوان حُسن ختام، گفته‌ای از چارلی چاپلین آورده شود. او می‌گوید:

«دنیا به قدری رنگارنگ است که برای تمامی انسان‌ها جایی وجود دارد؛ پس به جای این‌که جای دیگری را انتخاب کنیم، بگردیم و جای اصلی و واقعی خود را بیابیم.» این مجموعه از سی برداشت، مخالف هر برداشت شامل دو داستان، یکی از دنیای انسانی و دیگری از دنیای حیوانی است. در برداشت اول دو داستان آورده شده که در داستان اول رحم و عطوفت گریه‌ناکیت به بچه‌هایشان در واپسین لحظه‌های زندگی نشان می‌دهد و در داستان دوم نهایت شکستگی و بی‌رحمی پدر نسبت به زن و بچه‌هایش به نمایش گذاشته شده است و تمام برداشت‌های کتاب تا به انتها بدین صورت می‌باشند.

در برداشت دوم نیز دو داستان متفاوت از دنیای حیوانات، دنیای انسانی آورده شده که بر طبق اسناد و مدارک از منابعی که اساس آن‌ها نیز آورده شده در دنیای گریه‌ناکیت در داستان دوم فدا شدن و در نهایت از دست دادن معصومیت دنیای ناشی از ضعف مادر می‌باشد به تصویر کشیده شده است و بدین صورت تمام حوادث کتاب تا به انتها ادامه می‌یابند.

به امید این‌که این مجموعه‌ی ناچیز، تلنگری بر احساس‌های لطیف و فراموش‌شده‌ی بشریت باشد.

یاسر محمدی

۱۳۹۳/۱۱/۹